

فصل هفدهم:

والدین و جمع بزرگ خانواده. همراه صحنه فزاینده!

خانواده ام - پدر بزرگ و مادر بزرگم، خاله ها و فرزندان آنها و تقریباً تمام اعضای خانواده - نزدیک به من زندگی می کنند و برای مداخله سریع در جلسات درمانی پسر مرا همراهی می کنند.

خانم سارا، مادر کودکی مبتلا به اختلال رشد



برخی مادران از سوی والدین خود، والدین همسرشان و سایر اعضای خانواده کمک های قابل توجه ای دریافت می کنند. بسیاری از زنانی که با آنها مصاحبه کردیم به این مسئله اذعان داشتند که مادرانشان یک عامل

حیاتی کمک‌رسانی به آنها بودند. خانم ویکتوریا که یک مادر مجرد است می‌گوید: «زمانی که هیچ‌کس برای کمک به من وجود نداشت، مادرم به عنوان پرستار و مراقب فرزندم به من کمک کرد. او مرا وادار می‌کند تا در تعطیلات به او بپیوندم. او به من کمک کرد تا بتوانم خانه بخرم، من اخلاق خوب و رفتار عاقلانه ام را مدیون مادرم هستم.»

اما شاید این نوع مشارکت خانوادگی واقعیت زندگی شما نیست. ممکن است والدین و سایر اعضای خانواده بزرگ شما برای اینکه از نظر احساسی و یا به صورت عملی از شما حمایت کنند خیلی مسن، بیمار و یا خود به قدری نیازمند به کمک باشند که امکان کمک‌رسانی به شما فراهم نباشد و یا به دلیل دور بودن محل زندگی شان فرصتی برای حمایت از شما نداشته باشند. نمونه‌ای از این وضعیت در مثال خانم فیونا دیده می‌شود. او می‌گوید: «در حال حاضر پدرم با بیماری سرطان مبارزه می‌کند و مادرم نیز از او مراقبت می‌کند. دو فرزند برادرم نیز مانند فرزند من نیاز ویژه دارند. من حتی یکبار هم از آنها تقاضای کمک نکردم - چرا که در غیر این صورت احساس گناه می‌کردم.»

حتی اعضای خانواده بزرگ شما ممکن است به قدری گرفتار مشغولیات زندگی خود باشند که نتوانند حمایت خاصی از شما به عمل آورند. همانطور که خانم جودیت توضیح می‌دهد: «مادرم به شدت درگیر زندگی خود است و من در بهترین حالت می‌توانم یک بار در ماه او را ببینم.»

در صورتی که فرزندان شما بزرگ شده باشند، ممکن است والدین شما دیگر در قید حیات نبوده و یا به قدری ضعیف و کم‌انرژی باشند که توان کافی برای کمک به شما را نداشته باشند. برخی از اعضای خانواده بزرگ شما ممکن است احساس کنند هیچ‌کمی نیاز ندارند. خانم کایلا، مادر یک فرزند بزرگسال مبتلا به سندروم رت می‌گوید: «از نظر خانواده و فامیل حال ما خوب به نظر می‌رسد، برای اینکه ما برای مدت زمان طولانی با این شرایط زندگی کرده و به آن خو گرفته ایم.»

حتی در صورتی که اعضای خانواده نسبت به فرزند شما بی‌تفاوت هستند، باز هم ممکن است به سبب شرایط موجود احساس ناراحتی و سردرگمی داشته باشند، به ویژه در صورتی که نیاز ویژه فرزند شما به تازگی تشخیص داده شده باشد. برخی از اعضای خانواده حتی با گذشت زمان هم نمی‌دانند چطور می‌توانند به شما کمک کنند. شناخت احساسات پدر بزرگ و مادر بزرگ و سایر اعضای خانواده به منظور حفظ ارتباطات خانوادگی می‌تواند کمک‌کننده باشد.

چرا پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها و سایر اعضای خانواده به این شکل واکنش نشان می دهند؟

خانم ماریون زمانی که برای نوه تازه متولد شده اش بیماری فلج مغزی شدید تشخیص داده شد خیلی پریشان و ناراحت بود، چرا که متوجه شد نوه اش هرگز نمی تواند صحبت کند و به مراقبت کامل نیاز دارد.

او با قلبی شکسته دخترش را می نگریست که از شنیدن این خبر رنج می برد. او با خود می گفت: «او همیشه فرزند من خواهد بود و از اینکه نمی توانم از او محافظت کنم، احساس گناه می کنم.» همانند خانم ماریون، مادر بزرگ فرزندان دارای نیاز ویژه به نوعی از یک «اندوه سه گانه» رنج می برند. مادر بزرگ ها نه تنها برای فرزند و نوه خود، بلکه برای خودشان هم غصه خورده و احساس ناراحتی می کنند. آنها نوه ای را که انتظارش را می کشیدند از دست داده اند. آنها در رویا با نوه خود بازی کرده و با هم شیرینی می پزند. اما حالا چطور می توانند با کودکی که توانایی های حرکتی، گفتاری و یا شناختی محدودی دارد برخورد کنند؟

بسیاری از مادر بزرگ ها و سایر اعضای نزدیک خانواده نمی دانند چگونه می توانند احساسات و نگرانی های خود را پنهان کرده و به عنوان عضوی از خانواده کاری انجام دهند. در حالی که شما به عنوان مادر ممکن است در فعالیت هایی نظیر عضویت در گروه های والدین، مطالعه کتاب های مرتبط با ناتوانی، تنظیم جلسات پزشکی درگیر باشید، مادر بزرگ ممکن است به نیروی حمایتی و اطلاعات مورد نیاز دسترسی نداشته باشد. بدون بهره مندی از این قبیل پشتیبانی و اطلاعات مورد نیاز، آنها برای کمک به شما در جهت تقلیل غم و اندوهتان و یا شناخت کامل نیازهای ویژه فرزندتان هیچ راهی ندارند.

بدون حمایت از آنها و ارائه اطلاعات مناسب، اعضای خانواده ممکن است به گونه ای رفتار کنند که موجب آزرده گی خاطر شما شود. برای جلوگیری از مواجهه با چنین شرایطی، آنها ممکن است وجود هر گونه مشکلی را در فرزند شما به کلی انکار کنند، به ویژه اگر ناتوانی او قابل مشاهده نباشد. خانم هاپ، مادر کودکی مبتلا به اوتیسم می گوید: «در خانواده ما، مادر بزرگ بر این باور است که پسرم کامل و بی نقص است و هیچ ناتوانی ندارد. چنین موقعیتی بسیار دشوار است.»

از نظر ناتوانی های «غیر قابل مشاهده»، نظیر اوتیسم، ADHD، اختلالات سلامت روانی، یا ناتوانی در یادگیری، برخی اعضای خانواده وجود مشکل و نیاز ویژه را در فرزند شما ممکن است نادیده بگیرند و به خاطر بی نظمی و ناکفایتی در تربیت نادرست فرزندتان شما را مقصر بدانند. آنها ممکن است بر عقیده خود پافشاری کنند که اگر برای فرزندتان محدودیت های بیشتری در نظر بگیرید، مطمئنا رفتارهای نابهنجار او به طور معجزه آسایی از بین

خواهد رفت. یا اگر «بیش از حد مراقب» او نبودید، فرزندتان می توانست در گروه همسالانش عضو شده و زندگی اجتماعی خود را شکل دهد.

اعضای خانواده ممکن است با گفتن جملاتی مانند اینکه فرزندت به زودی «بزرگ خواهد شد» ناتوانی او را بی اهمیت جلوه دهند و یا از درد و رنج آن بکاهند. اگر والدین یا یکی از خواهران و برادران شما چنین رفتاری داشته باشد، ممکن است مهارت های مادری شما را نقد کنند و یا مرتبا به شما توصیه های مادرانه کنند. خانم جینا فرزند مبتلا به دیستروفی عضلانی دارد. او می گوید: «به دلیل اینکه علائم بیماری فرزندم تا هفت سالگی مشخص نبود، فکر می کنم همین مسئله پذیرفتن ناتوانی فرزندم را برای آنها دشوار کرده بود. فکر نمی کنم آنها متوجه چالش های هر روزه من شده باشند و فکر می کنند باید زمان بیشتری را به خودم اختصاص دهم.»

به علاوه، ممکن است اطلاعاتی که آنها درباره ناتوانی دارند قدیمی و مربوط به سالهای خیلی دور باشد. خانم مارتا یک نوه پسر مبتلا به سندروم داون دارد. او می گوید در زمان قدیم و در سن و سال او هیچ کودک مبتلا به ناتوانی به مدرسه نمی رفت. والدین شما ممکن است انتظارات اندکی از فرزند شما داشته باشند- یا به نگهداری از او در موسسات خاص توصیه کنند- به ویژه اگر در زمان آنها این کار یک هنجار و روند مرسوم بوده است.

برخی مادر بزرگ ها و اعضای خانواده در مقابل غم و ناراحتی با عقب نشینی و دوری از فرزند شما واکنش نشان می دهند. خانم مگ که کودکی مبتلا به دیستروفی عضلانی است می گوید: «خانواده همسرم هیچ مشارکتی در زندگی ما ندارند. آنها هرگز تماس نگرفته و یا برای مدت کوتاهی به منزل ما نمی آیند.»

به یاد داشته باشید که گاهی اوقات اعضای خانواده قصد کمک دارند اما حتی نمی دانند چه پیشنهادی برای کمک ارائه دهند (در ادامه فصل، بخش آنچه نیاز دارید را درخواست کنید را مطالعه کنید). اگر از میزان مشارکت خانواده نا امید شدید، ایده هایی که در این فصل مطرح می شوند را می توانید دنبال کنید.

برقراری ارتباط و به اشتراک گذاری احساسات

برای افزایش حمایت و شناخت اعضای خانواده، اطلاعات مناسب و همچنین احساسات خود را با آنها در میان بگذارید. آماده باشید تا برای چیزهایی که نیاز دارید درخواست کمک کنید.

مادربزرگ، پدر بزرگ و سایر اعضای خانواده ممکن است این احساس را داشته باشند که باید با پنهان کردن احساسات و هیجانات خود به شما قدرت و انرژی بدهند. اگر چه ممکن است بی تفاوت و یا خونسرد به نظر برسند، اما ممکن است این کارها را برای حمایت از شما انجام دهند. برای حفظ ارتباط با آنها، همیشه با روی گشاده با آنها برخورد کنید و از طریق به اشتراک گذاری غم‌ها، ترس‌ها، و شادی‌هایتان راه را برای برقراری ارتباط باز نگه دارید. سکوت و رازداری تنها می‌تواند احساس اندوه خانواده را تشدید کند.

خانم امی به این مسئله پی برد که چقدر صادق بودن با والدینش حائز اهمیت است. او می‌گوید: «من به والدینم نگفتم که تست‌های ویژه ناتوانی بر روی دخترم تالیا انجام شده است، چون نمی‌خواستم آنها را نگران کنم. بنابراین زمانی که آنها دخترم را دیدند استرس و فشار زیادی متحمل شدم. در نهایت زمانی که نتیجه آزمایشات ناتوانی را به مادرم گفتم او گفت: می‌دانستم نوه ام مشکلی دارد. اما به تو نگفتم چون نمی‌خواستم تو را نگران کنم.» خانواده شما ممکن است حتی از مصاحبه با مددکار اجتماعی، مشاور یا یک روحانی بهره‌مند شوند.

اگر از خانواده شما رفتاری سرزد که باعث رنجیدگی خاطر شما شد حتماً بدون رودربایستی مشکل را با آنها مطرح کنید. به ویژه اگر مشکل فرزند شما را درک نکنند، ممکن است توصیه‌های غیر مفیدی پیشنهاد دهند. برای مثال مادر بزرگی از رفتار نوه خود که مبتلا به اوتیسم بود ناراحت بود و او را به دلیل ضربه زدن به بازوانش سرزنش می‌کرد. همچنین دختر خود - دبی - را به دلیل اینکه خیلی با فرزندش با ملایمت برخورد می‌کند سرزنش می‌کرد. پس از ماه‌ها رنجش و نارضایتی، دبی موفق شد به مادرش توضیح دهد که دخترش به ضربه زدن به عنوان یک وسیله بی‌ضرر برای کاهش استرس نیاز دارد و کتابهای انگیزشی و کاربردی در این ارتباط را در اختیار مادرش قرار داد. از آن پس مادربزرگ رفتارش را تغییر داد و همگی در روابطشان به آرامش رسیدند.

علیرغم همه توضیحاتی که ارائه می‌دهید، اگر خانواده شما همچنان نگاه انتقادی به شما داشته و از اینکه زندگی شخصی شما مورد هجوم انتقادهای آنها قرار گرفته است احساس ناخوشایندی دارید، باید به فکر محافظت از خود

و خانواده کوچکتان باشید. برای آشنایی با راهکارهای مرتبط به فصل «زمانی که امور بر وفق مراد نیست» مراجعه کنید.

www.special-people.com

سطح راحتی آنها را افزایش دهید- با مشارکت و آموزش

زمانی که در حال آغاز یادگیری و کسب اطلاعات درباره ناتوانی فرزندتان هستید، ممکن است زمان اندکی برای آموزش سایر اعضای خانواده داشته باشید. اما به اشتراک گذاشتن اطلاعات بسیار حیاتی است. یکی از مادران می گوید آموزش به والدینش کمک کرد تا بیشتر مشارکت کنند و به خاطر رفتار غیر طبیعی فرزندم قضاوت کمتری داشته باشند. اگر کودکان مشکل پزشکی پیچیده ای دارد، اعضای خانواده ممکن است واقعا وحشت زده شوند. خانمی که دخترش مبتلا به فلج مغزی است به مادرش نشان داد که در صورت شروع حمله صرع در فرزندش چه کاری باید انجام دهد. در حال حاضر این مادر بزرگ می داند چگونه در مواقع اورژانسی وارد عمل شود، او از اینکه وقتی را به تنهایی با نوه اش می گذارد احساس رضایت و راحتی می کند. ما همچنین در مورد مادر بزرگ هایی شنیده ایم که نوه های با نیاز ویژه خود را هر چند هفته یکبار به خانه خود دعوت می کنند تا نزد آنها بخوابند.

فوق العاده است- اما چه اتفاقی می افتد اگر اعضای خانواده با مسئله به این شکل برخورد نکنند؟ شاید والدین و یا خواهر و برادران برای نگهداری فرزند شما در یک شب تمایل، مهارت یا توانایی لازم را ندارند. با ارائه اطلاعات مناسب و در تماس بودن، والدین و سایر اعضای خانواده می توانند نزدیکی بیشتری با فرزندتان احساس کنند و بیشتر به مشارکت و کمک تمایل نشان می دهند. **راهکارهای زیر را امتحان کنید:**

مرتب با والدین و سایر اعضای خانواده در تماس باشید (تلفن یا ایمیل) و آنها را در جریان وضعیت فرزندتان قرار دهید. در صورتی که خانواده بزرگی هستید می توانید به صورت گروهی ایمیل بزنید.

وبسایت های مرتبط با ناتوانی را به آنها توصیه کنید. این روش تنها برای خانواده هایی که دور از شهر زندگی می کنند کاربردی است.

کتاب ها و مقالات مفید را در اختیار آنها قرار دهید تا پنجره جدیدی برای بحث و بررسی کودکان برای آنها باز شود.

اطلاعات تماس انجمن های ناتوانی مرتبط را در اختیار آنها قرار دهید. به این ترتیب آنها می توانند با این انجمن ها یا موسسات در ارتباط باشند، چرا که در برخی مناطق بسیاری از این موسسات به خانواده و به خصوص پدر بزرگ و مادر بزرگ کمک های ویژه ای ارائه دهند. بسیاری از آنها کتاب های مرتبط با ناتوانی را به صورت امانی در اختیار خانواده ها قرار می دهند.

- آنها را برای شرکت در کنفرانس ها، سمینارها و برنامه های مرتبط با ناتوانی دعوت کنید. با شرکت در این جلسات به صورت خانوادگی، با مسائل و مشکلات مرتبط با ناتوانی فرزندتان آشنا خواهید شد، سایر خانواده ها را ملاقات خواهید کرد و ممکن است لحظات شاد و خوبی را در کنار آنها تجربه کنید. یکی از مادران در مورد احساسش در زمانی که با تمام اعضای خانواده در مسابقه پیاده روی مخصوص کودکان مبتلا به سندروم داون شرکت کرده بود گفت و اینکه چقدر احساس حمایت و پذیرفته شدن از سوی جامعه به وی منتقل شده است.
- آنها را به جلسات درمانی فرزندتان یا مطب پزشک دعوت کنید. خانم جوزف که نوه اش مبتلا به سندروم داون است در جلسات با دقت تمام مداخلات درمانی را نظاره می کرد. تا اینکه سرانجام از انجام مداخلات و تمرین ها به تنهایی احساس راحتی کرد و از کمک به نوه نوزادش برای اینکه بتواند بنشیند و سینه خیز برود لذت برد.
- نحوه ارتباط با فرزندتان را به آنها توضیح دهید. برای مثال، به آنها نشان دهید چگونه با فرزندتان که از سیستم های بینایی خاصی استفاده می کند ارتباط موفقی برقرار کنید. فعالیت هایی را پیشنهاد دهید که فرزندتان از انجام آنها لذت می برد و از انجام آنها خسته نمی شود.
- در دوره های خانوادگی برای کمک از یک نیروی کمکی یا مددکار استفاده کنید. به این ترتیب، در صورتی که تعداد جمعیت بسیار زیاد باشد، مددکار می تواند از فرزند شما مراقبت کرده و یا او را در انجام فعالیت های فیزیکی کمک کند. در زمان ملاقات در منزل مادر بزرگ، خانم جمی از یک مددکار برای حمایت از فرزندش استفاده می کند. به این ترتیب، جمی از گفتگو و دوره های با مادرش و سایر اعضای خانواده لذت می برد، در حالی که دخترش نیز توسط یک فرد قابل اعتماد حمایت می شود.
- یک برنامه تفریحی خارج از خانه فقط برای بزرگسالان ترتیب دهید. سعی کنید با والدین و سایر اعضای خانواده بدون حضور فرزندانتان یک برنامه صرف شام در بیرون از منزل را تجربه کنید. به این ترتیب بدون اینکه همه حواستان به فرزندتان باشید می توانید ارتباط خانوادگی خود را تقویت کنید. همچنین می توانید آگاهی اعضای خانواده را درباره شرایط فرزندتان بالا ببرید، بدون اینکه در حضور او صحبت کنید.

آنچه نیاز دارید را درخواست کنید

زمانی که راه های ارتباطی متعددی را با اعضای خانواده برقرار کرده و از بودن در کنار یکدیگر لذت می برید، نیازهای خود را با آنها در میان بگذارید. زمانی که به مستقل و قوی بودن عادت کرده ایم درخواست کمک می تواند بسیار دشوار باشد. خانم سالی پس از تلاش برای انجام تمام کارها به تنهایی، در نهایت از والدینش خواست در زمانی که باید فرزند با نیاز ویژه خود را ساعت های متمادی نزد پزشک متخصص ببرد آنها از فرزند سالم وی مراقبت کنند.

برخی اوقات اعضای خانواده ممکن است ندانند چه کمکی باید به شما پیشنهاد دهند. در این صورت، وظایف خاصی را به آنها محول کنید. **این توصیه ها را می توانید امتحان کنید:**

مراقبت: از پدر بزرگ و مادر بزرگ یا سایر اعضای خانواده بخواهید به مدت چند ساعت، یک شب و یا مدت طولانی تری از دختر یا پسر شما مراقبت کنند تا به این صورت شما فرصت داشته باشید که بتوانید با خود خلوت کرده یا ساعاتی را با همسرتان بگذرانید. اگر والدین شما خیلی مسن بوده و یا با نگهداری کودکان راحت نیستند، از جلسات کوتاه (یک یا دو ساعت) شروع کنید. فیلم، موسیقی یا بازی های مورد علاقه فرزندان را همراهش داشته باشید. اگر کودکان قرار است برای مدتی بیش از چند ساعت نزد والدینتان بماند و شما بوجه ای برای این کار اختصاص داده اید، می توانید کارگر یا پرستاری به خدمت بگیرید تا بتواند به والدین شما در نگهداری از کودک کمک کند. یا از دوستی که خود فرزندى با نیاز ویژه دارد درخواست کمک کنید.

پرداخت نقدی: اگر والدینتان در نزدیکی شما زندگی نمی کنند و یا از نگهداری فرزندان احساس خوشایندی ندارند و وضع مالی متوسطی دارند، ممکن است به روش های دیگری تمایل به کمک داشته باشند. اگر آنها از شما بپرسند چه هدیه ای دوست دارید برای فرزندان تهیه کنند، از آنها بخواهید پولی را برای گرفتن پرستار بچه در اختیار شما قرار دهند. به آنها اجازه دهید با هدایای نقدی شما را شاد کنند، و مطمئن شوید که هزینه ای که متحمل می شوید- برای مثال صرف شام در بیرون، استفاده از پرستار و ..- را با آنها در میان بگذارید. برخی پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها ممکن است بخواهند مبلغی را بابت اقامت شبانه در یک کمپ یا حضور یک یا دو همراه پرداخت کنند. به علاوه، اگر فرزند شما بزرگ شده است، والدین می توانند با کمک مالی برای آموزش، انجام کارهای خانه و یا فعالیت های تفریحی از فرزند شما حمایت کنند.

انواع دیگر کمک - هدیه زمان: اگر محدودیت زمانی دارید، می توانید از والدین یا سایر اعضای خانواده بخواهید تا تماس ضروری را به جای شما گرفته و خدمات مورد نیاز را برای شما پیگیری کنند. اگر آنها دور از شما زندگی می کنند، از آنها بخواهید در اینترنت جستجو کرده یا در کتابخانه به دنبال درمان های جدیدی که ممکن است به فرزندتان کمک کند بگردند. با افزایش سطح اطلاعات و دانش اعضای خانواده آنها بیشتر احساس همدلی، مشارکت و عضویت در گروه می کنند. پدر امی و نزدیکانش مرتبا از او حمایت می کنند. آنها مرتبا در مجلات و روزنامه ها به دنبال مقالاتی هستند که درباره اوتیسم نوشته شده و با در ارائه مقالات به او، سطح اطلاعات و دانش خود را افزایش می دهند.

www.special-people.com

وقتی اوضاع بر وفق مراد نیست

برخی اوقات، علیرغم تمام تلاش هایی که برای آموزش خانواده، برقراری ارتباط، و ایجاد حس نزدیکی و صمیمیت صرف می کنید، باز هم حمایتی که نیاز دارید را دریافت نمی کنید.

اگر حس می کنید شما و فرزندتان به شدت مورد انتقاد قرار می گیرید، باید صادقانه در مورد نگرانی های خود با خانواده تان صحبت کنید. اما اگر به این نتیجه برسید که ارتباط با خانواده برایتان ناراحت کننده است، باید این وضعیت را کنترل کنید. شرایط خود را با خانواده در میان بگذارید و چگونگی و زمان برقراری تماس با آنها را مشخص کنید. برای مثال، شما ممکن است تصمیم بگیرید تا از رفتن به یک تعطیلات پر استرس دوری کنید و به جای آن یک گشت و گذار خانوادگی را در زمان دیگری برنامه ریزی کنید. خانم سرنا، که فرزندی مبتلا به دیستروفی عضلانی و اختلال در رشد دارد می گوید: «ما به خاطر مشکلات مرتبط با پسرمان انتخاب کردیم که برخی از اعضای خانواده را ملاقات نکنیم». اما آنها هر زمان خواستند به منزل ما بیایند ما با آغوش باز پذیرای آنها هستیم.»

یا شما ممکن است تصمیم بگیرید که موقتا تماس با برخی از اعضای خانواده که آسیب احساسی به شما وارد کرده اند را محدود و یا کاملا قطع کنید. در این مورد، درهای ارتباط را باز نگهدارید تا در صورتی که تصمیمتان تغییر کرد بتوانید تماس های مرسوم را از سر بگیرید. به جای ملاقات حضوری، می توانید راه های دیگر مانند ارسال ایمیل، ارسال کارت یا مکالمه تلفنی را امتحان کنید.

شاید به مرور زمان که اعضای خانواده با شخص فرزند شما بیشتر آشنا شوند، فعالانه تر در زندگی شما مشارکت و همکاری کنند. در این میان، به طور فعال به دنبال حمایت و پشتیبانی از سوی دوستان، سایر اعضای خانواده و افراد حرفه ای باشید که در زندگی شما حضور دارند. برای دریافت ایده های بیشتر، فصل های مربوط به بخش دو با عنوان مراقبت از خود را مطالعه کنید.

استفاده از تجارب دیگران

من نمی توانم پذیرش خانواده ام در مورد فرزندانم را کنترل کنم. تنها میتوانم شرایط خودم را کنترل کنم.

خانم اپریل، مادر مجرد سه فرزند مبتلا به دیستروفی عضلانی و ADHD

من نمودار کارهایی که فرزندم انجام می دهد را برای والدینم رسم کرده و آن را بر روی یخچال خانه آنها چسبانده ام. این کار به خاله ها و پسرخاله و دختر خاله های او کمک می کند تا بدانند چه بازی باید با او انجام دهند و یا در هر لحظه او به چه چیزی احتیاج دارد.

خانم ترودی، مادر کودکی مبتلا به سندروم داون

